

بررسی فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک شرق ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی کشور جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی رود هیرمند)

احمد اطهری^۱، علیرضا شکیب^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۰۴

چکیده:

منطقه غرب آسیا از مهم‌ترین کانون‌های منازعه و بحران در دهه‌های اخیر می‌باشد. با توجه به روند افزایش جمعیت و فرایند توسعه، یکی از مشکلاتی که روابط دولت‌ها و ملت‌ها بر سر آن دچار چالش‌هایی خواهد شد کمبود منابع آب می‌باشد که در این منطقه، آسیای جنوبی با بحران‌های آبی بیشتری روبرو خواهد شد. هر کشوری که منابع آبی غنی‌تری در اختیار داشته باشد؛ در مناسبات هیدروپلیتیک و ژئوپلیتیک منطقه‌ای از توان اثرگذاری عمیق‌تری بهره خواهد برد. برخی ژئوپلیتیسین‌ها قرن ۲۰ را سده هیدروپلیتیک می‌دانند و بر این باورند که اغلب درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود. با توجه به وجود تعداد سدهای بزرگ در این منطقه، آشفته‌گی و بی‌ثباتی سیاسی - امنیتی در حوضه‌های آبریز مشترک و احداث پروژه‌های سدهای بزرگ و زیان‌بار، مسئله هیدروپلیتیک امروزه برای کشورهای منطقه غرب آسیا هم تهدید محسوب می‌شود و هم فرصت. به بیان دیگر کشوری که در جایگاه فرودست قرار گرفته است، از سوی کشور بالادست تهدید می‌شود. امنیت ملی با توسعه و عدالت سرزمینی رابطه مستقیم دارد. برقراری عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه ثمرات توسعه ملی، تا اندازه زیادی می‌تواند به ایجاد و حفظ امنیت ملی کمک کند. این مقاله سعی بر آن دارد که وضعیت هیدروپلیتیک کشور را در آینده، هم از بعد تهدیدات و هم از بعد فرصت‌ها مورد مطالعه قرار دهد. این پژوهش تلاش دارد تا با رویکردی توصیفی - تحلیلی با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، نقش هیدروپلیتیک شرق کشور، فرصت‌ها، چالش‌ها و تأثیر آن بر امنیت ملی کشور را بررسی نماید.

واژگان اصلی: امنیت ملی، جمهوری اسلامی ایران، هیدروپلیتیک، هیرمند.

۱. دانشجوی دوره دکترای مشترک و مرکب دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

ahmad.athari@gmail.com

۲. دانشجوی دوره دکترای مشترک و مرکب دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا، تهران، ایران

مقدمه

یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های نظام سیاسی کشورها در عرصه تعاملات بین‌المللی مسئله محیط امن و مطلوب‌ترین شرایط تأمین ثبات امنیتی است. یک نظام سیاسی هیچ‌گاه در حالت مجرد قرار ندارد و زندگی جمعی در محیطی که مهم‌ترین خصیصه‌اش هرج و مرج‌گونه‌گی آن است، باعث می‌شود تا تأمین امنیت به‌عنوان مهم‌ترین دغدغه سیاسی درآید. تغییرات آب و هوایی بیش از هر عامل پیامدهای عمیقی را بر زندگی جمعی افراد برجای گذاشته و در آینده‌ای نه‌چندان دور نیز با شدت بیشتری ادامه خواهد داشت و این تغییرات، می‌تواند به نسبت بسیار زیادی امنیت ملی هر کشوری را با تهدید مواجه نماید. بسیاری از محافل و مکاتب بر این باورند که آب همچون آتش زیر خاکستر منبع بالقوه نبردهای آینده است. اهمیت استراتژیک آب بر هیچ‌کس پوشیده نیست؛ از همین رو دکتر پطروس غالی وزیر خارجه اسبق مصر و دبیر کل سابق سازمان ملل متحد نیز بیان داشته است که: جنگ آینده بر سر آب خواهد بود. لذا اهمیت آب در آسیای جنوبی به‌عنوان یک آتش زیر خاکستر تلقی می‌شود و می‌تواند منبع بالقوه درگیری در آسیای جنوبی قرار گیرد. شرایط موجود نشان می‌دهد که آب در آینده نه‌چندان دور به‌عنوان یک کالای اقتصادی و امنیتی قرار خواهد گرفت که در آسیای جنوبی به سمت تنش خواهد رفت. در طول چند دهه گذشته تحولات مهمی در خاورمیانه به وقوع پیوسته و تغییراتی در ساختار و توازن قدرت در سطح منطقه‌ای به وجود آورده که کشورهای همسایه جمهوری اسلامی ایران را در معرض دگرگونی‌ها و تحولات قرار داده است. این تغییر و تحولات با چالش‌ها و مسائل مختلفی همراه بوده و امنیت ملی بازیگران منطقه و از جمله جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار داده است. یکی از بارزترین نمونه‌های مشکل آب به‌ویژه در مناطق خشک جهان قطع آب در بالادست رودخانه‌های بین‌المللی است. این امر آب را به شکل آبشاری وارد عرصه سیاست بین‌الملل کرده است و تلاش‌های بین‌المللی به‌گونه‌ای سازمان‌دهی شده، که آب را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین موضوعات و چالش‌های بشر به مجمع عمومی سازمان ملل کشانده است. ایران گذرگاه آبی مهم برای افغانستان و افغانستان دروازه ایران به آسیای میانه و چین به حساب می‌آید. این کشور از سه بعد «فرهنگی - تمدنی»، «اقتصادی - توسعه‌ای» و «سیاسی - امنیتی» جایگاه ویژه‌ای در تأمین منافع و امنیت ملی ایران داشته و برای کشورمان، نقطه تمرکز استراتژی بزرگ در سیاست «نفوذ به شرق» محسوب می‌شود. نگاهی به گذشته روابط ایران با افغانستان نشان می‌دهد که افغان‌ها از موقعیت بالادستی خود در رابطه با ایران به‌خوبی بهره جسته و ایران را تحت فشار قرار داده‌اند. برداشت بی‌رویه آب توسط افغانستان و نداشتن رژیم حقوقی مناسب، زمینه چالش و منازعه بر سر آن بر روابط بین دو کشور سایه انداخته است. با

توجه به گستره بالقوه و دامنه‌ای از عواقب ناشی از تغییرات آب و هوایی، تعجب‌برانگیز نخواهد بود که نگرانی‌ها درخصوص پیامدهای امنیتی بین ایران و افغانستان افزوده شود. امروزه چهره متغیر امنیت ملی و توسعه پایدار، مسائل زیست‌محیطی و به‌خصوص مسئله آب را در خود جای داده است و در همراهی با روند افزایش جمعیت، جهانی شدن و وابستگی متقابل، این مسئله در صدر مسائل سیاست خارجی کشورهای با اقلیم خشک مطرح شده که حوضه‌های آبریز مشترک بین این دو کشور بر امنیت ملی آن‌ها نیز بی‌تأثیر نخواهد بود.

بیان مسئله

آب به‌عنوان مایه حیات، از دیرباز یکی از اصلی‌ترین نیازهای بشر بوده است. در مناطق خشک و نیمه‌خشک که بارندگی و منابع آب شرب کم هستند، آب گاهی به عنوان عامل و منشأ بحران شناخته شده و کشور ایران با توجه به نیمه‌خشک بودن و قرار گرفتن در کمربند خشک، با این بحران به صورت جدی مواجه بوده و هست. بخش مهمی از آب‌های سطحی در امتداد مرزهای جغرافیایی دو یا چند کشور جاری است. امروزه استفاده از رودخانه‌های مرزی، آب‌های مشترک به یکی از موضوعات چالش‌برانگیز در روابط دولت‌ها و ملت‌ها تبدیل شده است؛ رودخانه‌های مرزی ایران در شرق و شمال شرق نیز از این قاعده مستثنی نیست. رودخانه هیرمند به‌عنوان یک رود بین‌المللی در منطقه غرب آسیا مورد توجه قرار گرفته است. این رود در جنوب غرب افغانستان و شرق ایران جریان دارد و جزء رودهای دائمی و بین‌المللی محسوب می‌شود. کاهش سرانه آب و افزایش جمعیت و نیاز به تولید مواد غذایی بیشتر، ضرورت کنترل آب‌های سطحی به‌خصوص رودخانه‌های مرزی و یا حوضه‌های آبریز مشترک بین ایران و کشور همسایه را ضروری نموده است. ارزش آب شیرین حتی از منابع فسیلی بیشتر بوده زیرا آب شیرین تنها ماده‌ای است که از حیطة تولید انسان خارج است. با جدا شدن افغانستان از خاک ایران در سال ۱۸۵۷ میلادی به‌موجب معاهده پاریس، مسئله حقابه رودخانه هیرمند به یکی از مسائل مهم سیاسی، اجتماعی و زیست‌محیطی دو کشور مبدل شد. پژوهشگر در این پژوهش سعی دارد تا فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک شرق و تأثیر بر امنیت ملی و توسعه جمهوری اسلامی ایران را بررسی نماید.

سؤال اصلی تحقیق: فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک هیرمند در شرق به چه میزان بر امنیت

ملی کشور جمهوری اسلامی ایران تأثیر خواهد داشت؟

فرضیه پژوهش: پژوهشگر برای پاسخ دادن به سؤال پژوهش فرضیه زیر را ارائه داده است. به نظر می‌رسد فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک هیرمند بین ایران و افغانستان، تأثیر بسزایی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت.

برای رسیدن به پاسخ این فرضیه محقق ضمن استفاده از اسناد و مدارک معتبر، با استفاده از پرسش‌نامه و مطالعه اولیه ادبیات نظری و تجزیه و تحلیل محتوایی و پس از گردآوری نظرات خبرگان و بررسی اسناد و مدارک، شاخص‌های این مؤلفه‌ها را شناسایی و با استفاده از شاخص‌های قابل‌سنجش، پرسش‌نامه با طیف لیکرت با مقیاس‌های (خیلی زیاد، زیاد، متوسط، کم و خیلی کم) طراحی و موارد به‌دست‌آمده مورد بررسی و اندازه‌گیری قرار خواهد داد.

جامعه مورد مطالعه:

جامعه مورد مطالعه تحقیق عبارت است از اساتید و فارغ‌التحصیلان دانشگاه تربیت مدرس، دانشجویان دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، دانشجویان دانشگاه روابط بین‌الملل امام خمینی (ره) در مقطع دکتری و محققین انجمن ژئوپلیتیک ایران و تعدادی از اساتید دانشگاه فرماندهی و ستاد آجا که تحصیلات مرتبط با حوزه ژئوپلیتیک و هیدروپلیتیک دارند و همچنین کلیه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق مورد استفاده قرار گرفته است.

نمونه و روش نمونه‌گیری

الف - حجم نمونه:

حجم نمونه در این تحقیق برابر با حجم جامعه مورد مطالعه است.

ب - روش نمونه‌گیری:

با توجه به محدود بودن حجم جامعه مورد مطالعه، روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند و با استفاده از روش تمام شمار بوده و کلیه افراد جامعه مورد مطالعه به تعداد ۴۰ نفر به‌عنوان حجم جامعه تحقیق انتخاب و پرسشنامه تهیه‌شده توسط این گروه پاسخ‌داده شده است.

مبانی نظری

مفهوم هیدروپلیتیک

هیدروپلیتیک از جمله زیرمجموعه‌های علم جغرافیای سیاسی می‌باشد، که به بررسی نقش آب در رفتارهای سیاسی با مقیاس‌های مختلف می‌پردازد، نوع برهمکنش میان ملت‌ها در بهره‌برداری از این منابع آبی مشترک، طیف گسترده‌ای از سازگاری و همکاری کامل تا ناسازگاری و جنگ را در بر می‌گیرد. با توجه به مصرف فزاینده آب در آینده و افزایش مصرف کشورهای فرادست رود در بهره‌برداری از این منابع، شاهد فزونی مشاجرات هیدروپلیتیک میان ملت‌ها هستیم. با توجه به این واقعیت برخی ژئوپلیتیسین‌ها سده کنونی را سده هیدروپلیتیک می‌دانند و بر این باورند که اغلب درگیری‌ها و جنگ‌های منطقه‌ای در جهان به دلیل بحران برآمده از کمبود آب خواهد بود (کویانی، ۱۳۸۴: ۳۳۹-۳۳۸).

هیدروپلیتیک به مطالعه اثر تصمیم‌گیری‌های مربوط به استفاده از آب در شکل‌گیری‌های سیاسی روابط میان دولت‌ها با یکدیگر یا روابط میان دولت‌ها و مردم و چه‌بسا در یک کشور می‌پردازد. آب که آن را طلای آبی نامیده‌اند در ژئوپلیتیک جهان نقش بسیار مهمی دارد. این ماده حیاتی که از ابزارهای رقابت بین کشورهاست، در آینده‌ای نزدیک، به‌ویژه بین کشورهایی که با کمبود آب روبه‌رو هستند، می‌تواند موجب بروز تنش و درگیری شود (مجتهد زاده، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

در بسیاری از مناطق جهان، آب تبدیل به عوامل برجسته در روابط سیاسی بین کشورها گردیده و احتمال وقوع منازعه و درگیری بر سر آن تشدید شده است. در این صورت رودخانه‌های بین‌المللی محل کشمکش و اختلاف میان کشورهای فرادست و فرودست رودخانه‌ها خواهد بود. اختلاف بر سر رودخانه‌های بین‌المللی، اغلب به خاطر استفاده بیش از اندازه از آب رودخانه در بخش بالادست رود و کاهش میزان آب جاری به سمت کشور یا کشورهای پایین‌دست رود و همچنین کاهش کیفیت آب رودخانه بر اثر آلوده شدن آب در قسمت بالادست رود روی می‌دهد. اختلاف بر سر کمیت منابع آب و کاهش منابع آب، برخلاف مشکلات مربوط به کیفیت آب به دشواری قابل حل است و در بسیاری از موارد، عاملی برای درگیری و منازعه میان کشورها می‌باشد. همچنین عدم وجود قوانین و مقررات بین‌المللی و سازمانی برای تقسیم منابع آب رودهای بین‌المللی نیز احتمال درگیری و منازعه میان کشورها را بیشتر افزایش داده است (علیزاده، ۱۳۸۳: ۳۴).

آب ماده‌ای است که مقدار آن ثابت بوده و از نظر پراکنش جهانی وضعیتی بسیار متغیر دارد.

مشاجرات مربوط بر سر دسترسی به آب به‌ویژه در کشورهای جای‌گرفته در مناطق خشک جهان بارزتر می‌باشد. امروزه منابع آب موجبات تنش هم در درون کشورها و هم در روابط بین کشورها را فراهم کرده است که بیشتر ناشی از عدم برنامه‌ریزی، عدم استفاده بهینه و ذخیره‌سازی مناسب منابع آب یا عوامل طبیعی مثل بروز خشک‌سالی می‌باشد. در واقع، آب تبدیل به یک عامل تأثیرگذار در مسائل داخلی و بین‌المللی شده و امنیت کشورها را تحت‌شعاع خود قرار داده است. ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، با این مسئله یا به عبارت بهتر هیدروپلیتیک درگیر بوده و احتمالاً در آینده برجسته نیز خواهد شد. اما نکته قابل توجه در این زمینه این است که مسئله هیدروپلیتیک امروزه هم برای ایران تهدید ایجاد کرده و هم فرصت. شبکه‌های رودخانه‌ای در سطح منطقه نشان می‌دهد که ایران از شرایط هیدروپلیتیک ویژه‌ای در این منطقه برخوردار هست. به‌بیان دیگر کشور ما در حوضه رودخانه هیرمند در سوی خاوری خود در جایگاه فرودست قرار دارد. لذا ایران باید به تأثیرات مثبت و منفی این رودخانه بر منافع ملی خود آگاه باشد. نگاهی به گذشته روابط ایران با افغانستان نشان می‌دهد که افغان‌ها از موقعیت بالادستی خود در رابطه با ایران به‌خوبی بهره‌جسته و ایران را تحت‌فشار قرار داده‌اند. اکنون هم با توجه به احداث سد دوستی در مرز مشترک ایران و ترکمنستان و از همه مهم‌تر تحولات افغانستان پس از سقوط طالبان که به استقرار آرامش و امنیت نسبی در این کشور انجامیده و روند بازسازی و پیشرفت نیز در این کشور آغاز گشته است. بدیهی است که نیازهای آبی این کشور هم افزایش خواهد یافت.

رود هیرمند:

هیرمند به نام‌های (هلمند)، (هلموند)، (هیلمند)، (دریای هلمند) نیز خوانده می‌شود. این رود از بلندی‌های کوه‌های بابا در ۴۰ کیلومتری غرب کابل از رشته‌کوه هندوکش از ارتفاعات مناطق بهسود، پنجاب و دایکندی (میان دو کوتل اونی و حاجیگی) در افغانستان سرچشمه می‌گیرد و پس از مسافت ۱۱۰۰ کیلومتر وارد دریاچه هامون که دریاچه‌ای مشترک بین افغانستان و ایران است می‌شود. هیرمند پس از پیوستن به رودخانه دیگری به نام ارغنداب از جنوب باختری کابل گذشته و وارد دشت مارگو می‌شود. این رودخانه، در محل بند کمال‌خان واقع در خاک افغانستان تغییر مسیر داده و به شمال منحرف می‌گردد و در بند کهک واقع در ۳۶ کیلومتری جنوب خاوری زابل وارد دریاچه هامون می‌شود. هیرمند در ابتدای مسیر خود سیلابی بوده و خساراتی به مردم وارد می‌آورد و به تدریج از سرعت آن کم شده و جریان آن آهسته می‌گردد. این رودخانه نقش مهمی در آبادانی و سرسبزی

قسمت وسیعی از افغانستان دارد. شهرهای تاریخی بست، نادعلی و زرنج شهرت خود را مدیون این رود و شعبه‌های آن می‌باشند. این رود بزرگ‌ترین رود فلات ایران و کشور افغانستان می‌باشد. گسترش حوضه رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی دو کشور ایران و افغانستان و قرار گرفتن بخشی از مسیر آن به‌عنوان مرز دو کشور باعث شده تا هیرمند به‌عنوان رودخانه بین‌المللی محسوب گردد. این رودخانه تماماً از افغانستان سرچشمه می‌گیرد و ۹۵ درصد از مسیر آن در فضای سرزمینی افغانستان واقع است که این وضعیت باعث شده افغانستان امکان استفاده بیشتری از آب هیرمند داشته باشد، بعلاوه به دلیل هموار بودن بخش دلتای رودخانه و قرار گرفتن بخشی از مسیر رودخانه به‌عنوان مرز مشترک دو کشور و تغییر مسیر رودخانه در مواقع طغیانی اختلافاتی در مورد مکان مرز به وجود آورده که در پی این مسائل قراردادهای متعددی بین دو کشور به امضاء رسیده ولی باین حال ایران و افغانستان هنوز نتوانسته‌اند به یک توافق نهایی در مورد استفاده از آب هیرمند دست پیدا کنند.

مشکل اصلی ایران و افغانستان از آنجا آغاز شد که رهبران سیاسی افغانستان تحت حمایت بریتانیا در اوایل قرن ۲۰ رودخانه هیرمند را یک رودخانه داخلی فرض کردند و هرگونه استفاده از آب آن را حق انحصاری خود دانستند (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۴۳۱).

هیرمند و قراردادهای منعقد شده بین دو کشور ایران و افغانستان

معاهده پاریس

حکومت مرکزی ایران در سال ۱۲۳۴ ش، در پی ناآرامی‌های به وجود آمده در منطقه هرات، نیروهای نظامی خود را روانه هرات کرد. به دنبال تصرف هرات به دست نیروهای ایرانی در سال ۱۲۳۵ ش، دولت انگلستان که تصرف این شهر را از سوی دولت ایران مخالف سیاست خود در هندوستان می‌دید به دلیل تصرف هرات، به ایران اعلام جنگ داد. نیروهای بریتانیا تعدادی از بندرها و جزایر ایرانی در خلیج فارس را اشغال کردند و در برابر شرایط ویژه‌ای، حاضر به صلح با ایران شدند. شرایط بریتانیا بیشتر شامل خروج همه نیروهای نظامی ایران از هرات و توابع آن و همچنین ترک ادعای ایران نسبت به هرات و آنچه آنان سرزمین افغانستان می‌خواندند، بود (مجتهدزاده، ۱۳۷۸: ۳۰۱). در نهایت، دولت ایران و انگلستان با میانجی‌گری فرانسه، معاهده‌ای را در پاریس به امضاء رساندند و در آن، ایران همه شرایط تعیین شده از سوی انگلستان را پذیرفت. براساس این معاهده، ایران نیروهایش را از هرات و نواحی وابسته به آن خارج کرد، همچنین از تمام حقوق و ادعای خود بر هرات و

سرزمین افغانستان چشم پوشید. در گامی دیگر ایران استقلال هرات را به رسمیت شناخت و متعهد شد که هیچ‌گاه حمله یا مداخله‌ای نسبت به استقلال دولت هرات و دیگر نواحی افغانستان نکند. در ضمن چنانچه اختلافی بین دولت ایران و ممالک هرات و افغانستان به وجود می‌آید، ایران پذیرفت که برای حل اختلاف میان آن‌ها به حکمیت انگلستان رجوع کند.

حکمیت گلداسمیت:

دوست محمدخان، امیر کابل، در ژوئیه ۱۸۶۹ م. قندهار را تصرف و هرات را به محاصره درآورد. او با تصرف مناطق یادشده مناطق مهمی در سیستان، همچون چخان سور، قلعه فتح و قلعه نادعلی را نیز با موفقیت به دست آورد. با تصرف جهان‌آباد در دلتای هیرمند از سوی پسر دوست محمدخان، ایالت سیستان تقسیم شد (مجتهدزاده ۱۳۷۴، ۱۳۷۸). در پی این اقدام، دولت ایران براساس عهدنامه سال ۱۲۳۶ پاریس که در آن دولت ایران در موارد اختلافی می‌بایست به حکمیت انگلستان رجوع کند، خواستار مداخله انگلستان در این موضوع شد. پاسخ انگلستان چنین بود: "چون انگلستان هیچ‌وقت سیستان را جزء ملک ایران نمی‌داند، بنابراین نمی‌تواند از دخالت افغان‌ها در آن جلوگیری کند (همان، ۳۷۵)". درخواست‌های چندباره ایران از انگلستان برای دخالت در این باره چنین پاسخی از وزارت امور خارجه بریتانیا در پی داشت: «از آنجا که ایالت سیستان بین ایران و افغانستان موجب اختلاف و کشمکش شده است، دولت انگلیس حدّ این اختلاف را به حکمیت شمشیر دو طرف حواله می‌کند و خود هیچ‌گونه دخالتی در موضوع ندارد» با این شرایط و با توجه به پاسخ بریتانیا، دولت ایران به بازپس‌گیری بخش‌های خاوری هیرمند پرداخت و این مناطق را به تصرف درآورد.

این‌بار امیر افغانستان در سال ۱۲۴۹ از بریتانیا تقاضا کرد تا در امور سیستان مداخله کند. در نتیجه این درخواست، گلداسمیت به حکمیت مرزی میان ایران و افغانستان مأمور شد (همان ۳۸۱). گلداسمیت کار تعیین مرز را در سال ۱۲۵۱ به پایان رسانید. به‌موجب این حکمیت، سیستان به دو بخش "سیستان درونی" و "سیستان بیرونی" تقسیم شد. بخش بزرگ‌تر سیستان به افغانستان تعلق گرفت و بخش کوچک‌تر آن را گلداسمیت به ایران اختصاص داد. ژنرال گلداسمیت با قرار دادن مرز افغانستان در شعبه اصلی رود هیرمند در منطقه دلتا، آن کشور را مجاز کرد تا نیمه حاصلخیزتر سیستان را از دریافت آب محروم کند؛ درحالی‌که به‌شدت نیازمند آب هیرمند بود (همان، ۳۹۱). داوری گلداسمیت بیشتر مربوط به اختلاف‌های مرزی بود اما در مورد تقسیم آب هیرمند نیز چنین حکم می‌کند که به‌علاوه، این مسئله به‌خوبی باید مفهوم باشد که به‌هیچ‌وجه نبایستی عملیاتی در دو دولت

صورت گیرد که به مقدار آبی که برای قابل شرب ساختن سواحل رودخانه هیرمند لازم است، آسیبی وارد شود. ایران و افغانستان در سال ۱۲۵۳ با رأی داوری موافقت کردند.

با تعیین مرز ایران و افغانستان توسط گلداسمیت، قسمتی از دلتا که بخش وسیع‌تر زمین‌های کشاورزی و جمعیت بیشتری داشت به ایران واگذار گردید و ناحیه‌ای که مسیر عبور آب جهت شرب در این قسمت را تشکیل می‌داد به افغانستان سپرده شد. براساس تفاسیری که افغانی‌ها با حمایت انگلیسی‌ها از رأی گلداسمیت در مورد استفاده از آب هیرمند داشتند به خود اجازه دادند که با احداث و حفر کانال‌های جدید، میزان آب جاری به سمت ایران را کاهش دهند که مشکلات زیادی را ایجاد می‌نمود.

حکمت مک ماهون:

در سال ۱۲۷۵ طغیان رود هیرمند موجب تغییر مجرای رود گردید و موجب شد مک ماهون برای حل اختلافات دو کشور حکمت کند. رأی مک ماهون در مورد تغییر مسیر رودخانه در حقیقت تأیید خط مرزی تعیین‌شده توسط گلداسمیت بود که مورد پذیرش دولت ایران قرار گرفت ولی امیر افغانستان حدوداً پس از یک سال آن را پذیرفت. مک ماهون در رأی نهایی خود در مورد آب هیرمند دوسوم آب هیرمند را به افغانستان و یک‌سوم آن را به ایران اختصاص داد. این رأی مورد پذیرش افغانستان قرار گرفت ولی از طرف ایران رد شد و دولت ایران اعلام کرد که در مورد تقسیم آب هیرمند همچنان به حکمت گلداسمیت رجوع می‌کند. تنش بر سر استفاده از آب هیرمند پس از اعلام رأی همچنان ادامه یافت. افغان‌ها با رجوع به حکمت مک ماهون دوسوم آب را حق خود می‌دانستند و شرق ایران هم با استناد به حکمت گلداسمیت نصف آب هیرمند یا حتی فراتر از آن مقداری که برای شرق ایران لازم بود را سهم خود می‌دانستند (همان، ۱۳۰۷).

در تیرماه سال ۱۳۰۰ شمسی دو کشور قراردادی با عنوان «عهدنامه مودت دولتین ایران و افغانستان» که هدف اصلی از امضای آن به رسمیت شناختن یکدیگر براساس قوانین بین‌الملل بود امضاء کردند همچنین در سال ۱۳۰۶ عهدنامه دیگری بنام «عهدنامه ودادیه و تأمینیه» میان دو کشور منعقد گردید که به موجب آن باید هرگونه اختلاف از طریق مذاکره حل می‌شد.

پس از امضای این قراردادها افغانی‌ها مرتباً در مسیر رود هیرمند و مسیر طبیعی آن در اراضی شرق ایران دخل و تصرفاتی می‌کردند. سرانجام در دی‌ماه ۱۳۱۰ شمسی کمیسیون مرکب از هیئت‌های نمایندگی دو کشور جهت انجام مذاکرات دوجانبه در منطقه مرزی شرق ایران تشکیل شد که پس از

سیزده جلسه مذاکره به نتیجه قطعی دست نیافت و در پایان هیئت افغانی به بهانه عدم اختیار تام مذاکرات را قطع نمودند (علیزاده، ۹۵: ۱۳۸۳). با شکست مذاکرات کمیسیون هیرمند فضای دوستانه حاکم بر روابط سیاسی دو کشور، مانع از قطع گفتگوها گردید و طرفین تمایل خود را جهت ادامه مذاکرات اعلام داشتند.

دولت ایران در سال ۱۳۱۱ شمسی با اعزام سفیر جدیدی به کابل، وی را مأمور انجام مذاکراتی در باب تقسیم آب هیرمند و پیگیری مسائل مربوط به آن نمود و نتیجه این شد که دولت ایران با قرارداد محل تقسیم آب هیرمند در بند کمال خان موافقت نمود اما همواره نگران بود افغانی‌ها با احداث کانال‌هایی بر روی رودخانه قبل از رسیدن به محل تقسیم آب میزان آب جاری به سمت شرق ایران را کاهش دهند که همین امر اتفاق افتاد.

در ۵ شهریور ۱۳۱۵ شمسی هیئت‌های دو طرف یکدیگر را ملاقات کرده و آب هیرمند را از بند کمال‌خان تا بند لخشک به‌طور نصف نصف به مدت یک سال تقسیم نمودند که پس از عقد این قرارداد نیز افغانی‌ها با جاری نمودن آب زیادی به طرف خود در بالای بند کوهک، میزان آب جاری به سمت ایران را کاهش دادند. این قرارداد به افغانی‌ها اجازه داد در پایین‌تر از بند کوهک حجم بیشتری از آب را نسبت به عهدنامه‌های قبل به سمت خود جاری سازند، که همین امر سبب تمديد قرارداد موقت ۱۳۱۵ در قراردادهای ۱۳۱۶ و ۱۳۱۷ گردید.

در سال ۱۳۲۴ شمسی افغانی‌ها با توجه به شرایط سیاسی بحرانی ایران، برای احداث چندین سد و کانال در نقاط مختلف هیرمند و شاخه‌های آن در افغانستان با آمریکایی‌ها به توافق رسیدند (مجتهدزاده، ۴۳۷: ۱۳۸۷). در این سال افغان‌ها همچنین دست به ساخت کانال بقرا زدند. خبر حفر این کانال که در مواقع کم‌آبی می‌توانست تمام آب رودخانه را به سمت خود جاری سازد، باعث وحشت و اضطراب در بین اهالی شرق ایران و زاهدان و اعتراض آن‌ها شد و وزارت خارجه ایران نیز طی یادداشتی به سفارت افغانستان در تهران مراتب اعتراض خود را اعلام داشت. افزایش آب هیرمند در زمستان ۱۳۲۵ شمسی باعث رفع اختلافات گردید ولی کم‌آبی سال ۱۳۲۶ موجب نگرانی گسترده‌ای بین مردم و مقامات محلی در شرق ایران گشت و خشم مقامات محلی را برانگیخت، آن‌ها این مسئله را ناشی از ساخت کانال‌ها توسط افغان‌ها در قسمت علیای رودخانه می‌دانستند. شدت این کم‌آبی به حدی بود که عده‌ای مجبور به مهاجرت شدند و تمام زابل در مضیقه و قحطی قرار گرفت و حدود ۲۴۰۰ رأس گاو تلف شد و عده‌ای هم با احشام خود به افغانستان کوچ کردند (کوهستانی -

نژاد، ۱۳۸۱). کم‌آبی شدید سال ۱۳۲۶ دولت ایران را بر آن داشت تا موضوع را به مراجع بین‌المللی ارجاع دهد و لذا وزیرمختار ایران در واشنگتن مأمور پیگیری موضوع شد ولی دولت آمریکا که حاضر نبود با توجه به اوضاع سیاسی آن روز جهان و نظرات و اقدامات دولت شوروی در این قسمت از آسیا، سروصدای تازه‌ای بین افغانستان و ایران به وجود آید، ایران را از پیگیری این امر منصرف نمود و پیشنهاد انجام مذاکراتی جهت حل قضیه هیرمند در واشنگتن را نمود.

به دنبال پیشنهاد آمریکا سرانجام در سال ۱۳۲۹ سه نفر برای عضویت در کمیسیون بی‌طرف انتخاب گردیدند، کمیسیون بی‌طرف مقدار آب لازم برای شرق ایران را ۰/۶۲ میلیارد مترمکعب در سال یعنی به‌طور متوسط ۲۲ مترمکعب در ثانیه تعیین کرد (حسینی، ۱۳۷۱: ۶۱). این مقدار به مراتب کمتر از مقدار آبی بود که حکمیت مک ماهون به شرق ایران اختصاص داده بود. در نهایت کمیسیون، عملیات دولت افغانستان در منطقه بالادست رودخانه را مضر برای سهم آب شرق ایران و کاهش آب آن ندانست. دولت افغانستان نظرات کمیسیون را مطابق میل خود دید و به‌سرعت با آن موافقت نمود ولی نظر ایران در مورد رأی کمیسیون بی‌طرف، عدم پذیرش رأی بود که به دلیل درگیر شدن کشور در مسائل داخلی و ملی شدن صنعت نفت نظر رسمی خود را اعلام نمود.

افغانستان در سال ۱۳۳۲ سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی را تکمیل نمود. ساخت این سدها و سدهای دیگر موجب کاهش آب هیرمند در سال ۱۳۳۴ شمسی گشت و این امر مورد اعتراض دولت ایران قرار گرفت در پی آن هیئت‌های ایرانی و افغانی در اواخر فروردین ۱۳۳۵ شمسی در واشنگتن گرد هم آمدند، اساس این مذاکرات تعیین حقایق شرق ایران از آب هیرمند بود که این مذاکرات به نتیجه نرسید. کاهش شدید بارندگی در قسمت علیای رودخانه هیرمند در ۱۳۴۸ شمسی باعث خشک‌سالی هولناکی در منطقه شرق ایران و چخان سور افغانستان گردید که به دنبال آن عده زیادی از منطقه به قسمت‌های داخلی ایران و افغانستان مهاجرت کردند. خشک‌سالی و شکایات متعدد مردم شرق ایران باعث گردید تا دولت ایران از افغانستان تقاضا کند که با باز کردن دریچه سدها آب بیشتری به سمت شرق ایران جاری سازد که در مقابل دولت افغانستان اعلام نمود که هیئتی از طرف ایران به افغانستان اعزام شود تا از قسمت‌های علیای رودخانه و خشک‌سالی اتفاق افتاده در این قسمت بازدید نمایند، که هیئتی در خردادماه ۱۳۵۰ به افغانستان اعزام شد و پس از بازگشت اعلام نمود که مردم افغانستان نیز همانند مردم شرق ایران در مضیقه می‌باشند. پس از این خشک‌سالی مردم زابل را ترک کرده و به شهرهای مشهد و گرگان مهاجرت نمودند. در جریان خشک‌سالی ۱۳۴۹ مذاکرات

برای پایان دادن به مسئله هیرمند ادامه یافت و در آبان ماه ۱۳۴۹ طرح جدید تهیه گردید که در قراردادهای ۱۳۵۰ و ۱۳۵۱ مورد بررسی قرار گرفت (علیزاده؛ ۱۳۸۳:۱۷۸).

قرارداد ۱۳۵۱ شمسی:

در شهریور ۱۳۵۱ هیئتی مرکب از کارشناسان وزارت آب و برق و وزارت امور خارجه به افغانستان سفر کردند و مذاکراتی در مورد آب هیرمند انجام دادند، مبنای این مذاکرات تخصیص ۲۶ مترمکعب آب در ثانیه به ایران بود همچنین قرار شد طبق جدول تنظیم شده از سوی وزارت آب و برق ایران سهم بیشتری از آب هیرمند طبق توافقنامه جداگانه از افغانستان خریداری شود این قرارداد حق ایران را از سیلاب‌های بهاره هیرمند سلب می‌کرد، درحالی‌که این سیلاب‌ها منشأ حیات هامون بودند و ایران نمی‌توانست حتی در مواقع سیلاب و پرآبی نیز ادعای بیشتر از ۲۶ مترمکعب در ثانیه داشته باشد ولی در مواقع کم‌آبی سهم ایران کمتر می‌شد. قرارداد ۱۳۵۱ در تابستان ۱۳۵۲ به مجلس شورای ملی ایران ارائه شد که موجب مخالفت‌های شدید بر ضد آن گردید ولی بالاخره از تصویب مجلس شورای ملی گذشت (علیزاده؛ ۱۳۸۳:۱۷۹). این قرارداد در افغانستان نیز به تصویب مجلس ملی و سنای آن کشور رسید اما تغییر رژیم پادشاهی افغانستان در تیرماه ۱۳۵۲ در اثر کودتا مانع از مبادله اسناد شد (فخاری، ۱۳۷۱:۷۶).

به دنبال وقوع انقلاب در ایران در سال (۱۳۵۷ شمسی) و حمله نظامی شوروی به افغانستان در همان سال این طرح‌ها به فراموشی سپرده شدند. آشفتگی در افغانستان و وقوع جنگ‌های داخلی باعث شد کترلی به جریان آب هیرمند صورت نگیرد.

روابط سیاسی ایران و افغانستان و وضعیت جریان آب هیرمند

پس از خروج شوروی از افغانستان دولت ایران خواستار شکل‌گیری یک حکومت نیرومند مرکزی در این کشور بود. ایران این رویه را تا زمان تصرف کابل بوسیله نیروهای افراطی طالبان ادامه داد. در سال (۱۳۷۵ش) گروه طالبان با تصرف کابل و به کنترل در آوردن بخش‌های وسیعی از افغانستان به قدرت رسید که به مدت ۵ سال ادامه یافت. اسلام انحرافی طالبان که ارائه‌کننده چهره ترسناکی از اسلام بود به همراه خشونت این گروه علیه شیعیان افغانستان، سبب شد تا دولت ایران از به رسمیت شناختن آنان خودداری نموده و از جبهه اتحاد شمال در افغانستان برای مقابله با طالبان حمایت نماید. روابط ایران با حکومت طالبان پس از تصرف کنسولگری ایران در مزارشریف و قتل نه دیپلمات و یک خبرنگار ایرانی

در سال (۱۳۷۷ش) بدتر شد، در زمان حکومت طالبان در افغانستان خشکسالی هولناکی در بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی، ایران، افغانستان و پاکستان رخ داد که به مدت چهار سال ادامه یافت. خشکسالی در افغانستان موجب کاهش جریان آب هیرمند به سمت ایران و سپس قطع کامل آن شد. کاهش بارندگی در قسمت علیای رودخانه و تضاد در دیدگاه‌های سیاسی گروه‌های حاکم در دو کشور، زمینه را برای قطع کامل آب هیرمند و تحت فشار قرارداد دادن ایران از سوی گروه طالبان فراهم نمود و برای اولین بار جریان آب هیرمند با بستن دریچه سدهای مخزنی ارغنداب و کجکی بر روی ایران بسته شد. تشدید کم آبی در سیستم دولت ایران را بر آن داشت تا دست به اقداماتی در سطح بی‌المللی و منطق‌ای برای مشخص نمودن علت این مساله (کم آبی) و حل آن بزند. در تیر ماه ۱۳۷۹ با موافقت حکومت طالبان، هیات مشترکی از کارشناسان آب دو طرف ایران و افغانستان از سد کجکی و ایستگاه اندازه‌گیری آب در دهراوود بازدید کردند. با انداز گیری آبگذر رودخانه در دهراوود مشخص گردید دبی آبی رودخانه ۴۶۸ متر مکعب در ثانیه است و سد کجکی نیز دارای یک میلیارد متر مکعب ذخیره آب می‌باشد نماینده دائمی ایران در سازمان ملل نیز طی نامه‌ای در تاریخ ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱ م به دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که دولت افغانستان با بستن دریچه‌های سد کجکی مانع جریان آب هیرمند به سوی ایران گردیده است حکومت انتقالی افغانستان و جریان آب هیرمند با برچیده شدن حکومت طالبان در افغانستان و استقرار حکومت جدید به وسیله نیروهای آمریکایی در سال ۱۳۸۰ش فصل جدیدی در روابط سیاسی دو کشور گشوده شد. در اسفند ماه سال ۱۳۸۰ش حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان به همراه هیأتی عالی رتبه به ایران سفر کرد و با مقامات دولت ایران دیدار نمود. در این سفر دو کشور سند همکاری امضا کردند، که در بند سیزدهم آن که به امضاء سید محمد خاتمی رئیس‌جمهور ایران و حامد کرزای رئیس دولت موقت افغانستان رسید، طرفین بر اجرای معاهده ۱۳۵۱ش برای تقسیم آب هیرمند تأکید کردند. سرانجام، بارندگی فراوان در بخش علیای رودخانه در زمستان ۱۳۸۱ش موجب جریان آب هیرمند در اواخر سال به سوی سیستم گردید. در فروردین ماه ۱۳۸۲ش با پر شدن سد کجکی و سر ریز شدن آب آن، دبی رودخانه به بیش از ۳۵۰ متر مکعب در ثانیه رسید.

خشکسالی گسترده در حوضه رودخانه هیرمند که به مدت ۵ سال ادامه یافته بود در منطقه سیستم موجب خشک شدن دریاچه هامون، نابودی کشاورزی در ناحیه سیستم و خسارت فراوانی به افغانی‌های ساکن در بخش وسطی و دلتای هیرمند گردید و مهاجرت ۳۲۰ هزار افغانی به ایران را سبب شد. قرار گرفتن چشمه و ۹۵ درصد مسیر رود هیرمند در افغانستان، این کشور را نسبت به ایران

در موضع بالادستی قرار داده و این کشور با استفاده از این مزیت ایران را همواره به موضع انفعال کشانده به طوری که خسارت‌های جبران‌ناپذیر مادی و غیرمادی و زیست‌محیطی به منطقه وارد شده است. نکته‌ای که در بیش از یک قرن گذشته حائز اهمیت می‌باشد، این است که افغان‌ها با گذشت زمان موضع سرسختانه‌تری نسبت به ایران در خصوص آب هیرمند اتخاذ کرده‌اند، و اگر روزگاری به تقسیم نصف نصف آب راضی می‌شدند با گذشت زمان این مقدار را به ۲۲ مترمکعب در ثانیه و حتی در برخی مواقع قطع کامل آب رسانده‌اند و حتی حاضر نیستند اجازه دهند سیلاب‌های جاری به سمت هامون جاری شود و ترجیح می‌دهند این سیلاب‌ها را بدون استفاده در چاله گود زره رها نمایند. با توجه به استقرار حکومت با ثبات در افغانستان، این کشور جهت احیای کشاورزی خود که تنها بخش عمده اقتصادی این کشور است به آب هیرمند نیاز بیشتری خواهد داشت و به خصوص اینکه این رودخانه در بخشی از افغانستان جاری است که عمدتاً صاف و حاصلخیز و قابل کشاورزی است و می‌تواند به‌عنوان نقطه اتکا برای این کشور محسوب شود. لازم است ایران هرچه سریع‌تر مسئله آب و تقسیم آن را که در مواقع کم‌آبی و خشک‌سالی منجر به قطع کامل آن می‌شود روشن نماید و حق خود را از آب هیرمند کاملاً تثبیت نماید چراکه ثابت شده گذشت زمان در این زمینه به ضرر ایران می‌باشد. البته حل این معضل با توجه به موقعیت پایین‌دستی ایران مستلزم ارائه برخی تسهیلات مثل استفاده از بنادر ایران جهت ورود و صدور کالا به افغانستان است.

افغانستان به دلیل کوهستانی بودن، منشأ رودخانه‌هایی مثل هریر رود، هیرمند، آمودریا و کابل رود هست که رودهای یادشده از این کشور خارج شده و در کشورهای همسایه جریان پیدا می‌کنند. وابستگی به این رودخانه‌ها هم در داخل و هم در خارج از افغانستان بسیار زیاد می‌باشد. به دلیل وجود نامنی و هرج و مرج، افغان‌ها، تا سال‌های اخیر توجه زیادی به کشاورزی و احیای اقتصاد کشور نمی‌کردند. ولی اخیراً با حاکم شدن ثبات و آرامش نسبی در کشور، کشاورزی مورد توجه قرار گرفته و طبعاً استفاده بیشتر از منابع آبی کشور هم به لحاظ تولید برق و هم به لحاظ آبیاری را به دنبال داشته است، که این امر می‌تواند بر میزان آب خارج‌شده از افغانستان اثر بگذارد و در پی این مسئله مشکلات عمده‌ای برای ساکنان مناطق دلتای این رودخانه در شرق ایران، به وجود بیاورد. که ادامه این روند با توجه به رفتار افغان‌ها در مورد هیرمند چندان بعید به نظر نمی‌رسد. در حال حاضر نیز حضور آمریکایی‌ها در افغانستان این کشور را در موقعیت مناسب‌تری نسبت به ایران قرار داده که می‌تواند در موضوع رودخانه‌های هریررود و هیرمند، مشکلاتی را برای ایران ایجاد نماید. با توجه به لحاظ کردن

منافع ملی در دسترسی ایران به آب‌های افغانستان، نوع رابطه ایران با ایالات متحده آمریکا و جامعه جهانی و کمک‌هایی که این کشورها در توسعه کشاورزی و توسعه سد‌ها در افغانستان می‌نمایند نقش مهمی در این بحران دارد.

در منطقه شرق ایران برای کاهش آثار نوسان آب هیرمند اقدام به ذخیره‌سازی آب هیرمند در مواقع پربابی در چاه نیمه‌ها شده است که این مخازن در فصول کم‌آبی نقش زیادی در زندگی مردم شرق ایران هم به لحاظ آب شرب و هم به لحاظ کشاورزی دارند. اخیراً هم دولت ایران انتقال سالانه ۵,۲۶ میلیون مترمکعب آب به شهر زاهدان از چاه نیمه‌ها را اجرا کرده است علاوه بر این طرح انتقال آب از سد دوستی به مشهد که دومین کلان‌شهر کشور با ۲/۵ میلیون جمعیت می‌باشد و همچنین با میزبانی سالانه ۱۲-۱۳ میلیون زائر، شرق ایران را از لحاظ منابع آب وابسته به افغانستان می‌نماید و حوزه نفوذ این کشور را در شرق ایران افزایش می‌دهد که این مسئله با توجه به رفتار افغان‌ها در ۱۲۰ سال گذشته در مورد هیرمند مشکلاتی را در آینده هیدروپلیتیک شرق به همراه خواهد داشت.

تأثیر مسئله هیرمند بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

به‌رغم اهمیت فراوان آب هیرمند برای رفاه مردم منطقه و به‌واسطه عدم پرداخت صحیح به موضوع هیرمند این امر هیچ‌گاه در سطح کشور تبدیل به یک موضوع امنیتی نگردیده است که علت آن هم تحت‌الشعاع قرار گرفتن این مسئله به‌واسطه سایر معضلات افغانستان و همچنین معضلات داخلی ایران بوده است. در طول سه دهه گذشته افغانستان همواره دچار درگیری‌های شدید داخلی بوده است. دهه ۱۳۶۰ دهه اشغال این سرزمین توسط ارتش سرخ شوروی و تسلط دولت کمونیستی در مرکز و جهاد مجاهدین علیه این حکومت بود که به‌واسطه آن هیچ‌گاه دولت مرکزی بر مناطق جنوبی تسلط کامل نیافت. دهه ۱۳۷۰ هم به دو نیمه تقسیم می‌شود؛ نیمه اول دوران درگیری‌های داخلی بین مجاهدین سابق و مبارزه پشتون‌ها با دولت مرکزی به ریاست برهان‌الدین ربانی بود که به تبع آن باز هم مناطق جنوبی تحت سیطره مخالفان دولت مرکزی بود. نیمه دوم این دهه هم دوران تسلط طالبان بر بخش‌های عمده افغانستان بود؛ دولتی که نگاه جدی به عمران و آبادانی افغانستان نداشت و دغدغه‌های دیگری برایش در اولویت بود. دهه ۱۳۸۰ هم دوران اشغال افغانستان توسط آمریکا و هم‌پیمانانش بوده است. در این دوران هم دولت مرکزی نتوانسته است بر مناطق جنوبی تسلط کامل پیدا کند. در نتیجه این معضلات اساسی اولاً هیچ‌گاه دولت افغانستان به فکر استفاده از منابع آب هیرمند به‌طور جدی نیفتاده

است و اگر هم مشکلی در سر راه دریافت حق آب ایران ایجاد نموده بسیار سطحی و گذرا بوده است. در ثانی وضعیت افغانستان همواره مسائل امنیتی مهم‌تری را برای ایران ایجاد نموده که از جمله می‌توان به مسئله مهاجرین و تهدید مستقیم نظامی در برخی دوره‌ها اشاره نمود. همچنین در مرحله سوم همواره دولت مرکزی افغانستان یا متحد ایران بوده است؛ آن‌هم متحدی در حال جنگ با مخالفان که نباید در جهت تضعیف آن گامی برداشته می‌شد. و یا دشمن ایران بوده که اجازه هرگونه مذاکره بر سر این مسئله را سلب می‌نموده است. بنا به همین دلایل هیچ‌گاه طی سه دهه گذشته هیرمند و آب آن تبدیل به معضل امنیتی بین ایران و افغانستان نشده است.

از جانب دیگر در داخل ایران هم به‌رغم ایجاد مشکلات فراوان به‌واسطه ایجاد مهاجرت از منطقه جنوب شرقی و بروز بیکاری گسترده در این منطقه که خود منجر به بروز فساد به‌ویژه قاچاق مواد مخدر شده است؛ توجه جدی به این امر صورت نگرفته است. دهه ۱۳۶۰ دهه جنگ تحمیلی و توجه دولت مرکزی به این مسئله مهم بود. دهه ۱۳۷۰ دهه سازندگی، آن‌هم با رویکرد توجه به قطب‌های صنعتی و عدم اولویت قائل شدن برای مناطق حاشیه‌ای به‌ویژه در شرق کشور بود. دهه ۱۳۸۰ هم دهه دعوای سیاسی بین جناح‌های مختلف و تحت‌الشعاع قرار گرفتن توسعه مناطق حاشیه‌ای به‌واسطه این امر بوده است. همچنین مهاجرت افغان‌ها به ایران خود نیز یکی از معضلاتی است که در این منطقه بسیار دیده می‌شود که حضور آن‌ها نیز بر امنیت ملی ایران تأثیر خواهد داشت چنانچه این چالش به جنگ بیانجامد حضور مهاجرین افغان مهم‌ترین مسئله امنیت ملی خواهد بود. در نتیجه به‌رغم اهمیت ویژه این موضوع هیچ‌گاه این امر در اولویت قرار نگرفته است.

اما این شرایط یقیناً در آینده‌ای نزدیک تغییر خواهد کرد. افغانستان در مسیر ثبات قدم برمی‌دارد. دولت مرکزی در این کشور رو به تثبیت موقعیت خود پیش می‌رود. با توجه به حمایت‌های بین‌المللی اولویت توسعه مناطق مختلف بعد از تثبیت امنیت در دستور کار قرار خواهد گرفت و یکی از لوازم این توسعه یقیناً مهار آب‌های سطحی خواهد بود. و از آنجایی که سرمنشأ تمام این آب‌ها در داخل افغانستان است این امر می‌تواند به یک عامل قدرت نسبت به کشورهای همسایه تبدیل شود. هیرمند برای مناطق غرب و جنوب غربی افغانستان اهمیت به‌سزایی دارد، پس طبیعتاً در اولویت مهار آب قرار خواهد گرفت. از طرف دیگر با جدی شدن مشکلات اجتماعی و به‌تبع آن امنیتی در شرق ایران، دولت مرکزی جمهوری اسلامی ایران لازم است توجه بیشتری به توسعه این منطقه نماید. طبیعتاً آب به‌عنوان فاکتور اساسی توسعه منطقه در این بین نقش اساسی ایفا خواهد نمود. این تضاد منافع یقیناً در آینده‌ای نزدیک

مسئله آب هیرمند را تبدیل به یک معضل امنیتی خواهد نمود. نشانه‌های حرکت افغانستان به سمت توسعه زیرساخت‌های موردنظر آشکار است. طرح‌های ساخت سدهای متعدد بر روی هیرمند آماده شده است. حاشیه رودخانه هیرمند اکنون از طرف افغانستان تثبیت شده و این در حالی است که هیچ توجهی از طرف ایران به این امر مهم نشده است. در نهایت باید گفت اگر امروز مسئولین کشور به این امر حیاتی توجه نمایند و در راستای تثبیت اجرای توافق ۱۳۵۱ قدم بردارند ممکن است در آینده‌ای نه‌چندان دور این موضوع تبدیل به معضل امنیتی شود.

امنیت ملی:

امنیت واژه عربی از ریشه «امن» است و تعاریف گوناگونی که تقریباً معانی یکسانی را می‌رساند، از آن به دست آمده است. در فرهنگ فارسی عمید، امنیت به: «در امان بودن، ایمنی، بی‌ترسی، آرامش و آسودگی» معنا شده است (عمید، ۱۳۵۵: ۲۵). در دانشنامه سیاسی، امنیت در لغت، حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله آمده است (آشوری، ۱۳۶۶: ۳۸). همچنین به صورت نسبتاً جامع در فرهنگ علوم سیاسی، امنیت چنین تعریف شده است:

۱. تضمین ایمنی، یعنی قراردادهای تنظیمی سیاسی برای کاهش احتمال بروز جنگ، برقراری مذاکره به جای محاربه و قصد حفاظت از صلح به عنوان شرط طبیعی بین دولت‌ها؛
۲. مصونیت از تعرض و تصرف اجباری و دور ماندن از مخاطرات و تعدیات به حقوق و آزادی‌های مشروع (آقا بخشی، ۱۳۸۳: ۳۸۴).

به بیان دیگر امنیت به عنوان یک مفهوم عام تمامی شئون و ابعاد زندگی انسان را دربر می‌گیرد و با بقای نفس و صیانت از حیات و موجودیت انسان پیوند می‌خورد. در واقع امنیت تضمین‌کننده حیات و بقای انسان و موجود زنده می‌باشد. امنیت عبارت است از «وضعیتی که منافع حیاتی بازیگر از سوی دیگر بازیگران یا در معرض تهدید نباشد و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، بازیگر توان دفع و مدیریت آن را با هدف صیانت از منافع خود داشته باشد».

با عنایت به آنکه در پژوهش حاضر محور اصلی بحث حول امنیت ملی است؛ بی‌شک تعریفی ساده از مفهوم امنیت نخواهد توانست زوایای مفهوم پوشیده امنیت ملی را بر ما عیان کرده و از این رو پژوهشگران درصدد آن هستند که به بررسی مفهوم امنیت ملی بپردازند.

امنیت موضوعی استنباطی است که مفهوم آن ثابت اما محتوای جغرافیایی - سیاسی آن تابع شرایط زمان و مکان تغییر می‌کند. در گذشته امنیت ملی عمدتاً از نظر تهدید نظامی خارج از مرزها

مورد توجه قرار می‌گرفت که مقابله با آن نیز سازوکار نظامی داشت. اما امروزه این مفهوم از حوزه تعاریف کلاسیک خود خارج شده و رابطه تنگاتنگی با توسعه یافته است. در گذشته پیشرفت و اعتلای واحدهای سیاسی با حاکمیت عقلانیت ابزاری با نگرشی محدود و تک‌سویه مترادف ایجاد و تداوم رشد اقتصادی در نظر گرفته می‌شد. در مقوله امنیت ملی توجه به مؤلفه‌های تهدیدزای درونی برای امنیت ملی باعث نمی‌شود که مؤلفه‌های بیرونی نادیده گرفته شود. یعنی برای تأمین امنیت ملی علاوه بر توجه به مؤلفه‌های تهدیدزای بیرونی به مؤلفه‌های تهدیدزای درونی نیز توجه گردد و سعی بر این گردد با مکلف کردن دولت در اتخاذ برنامه راهبردی جامع، مؤلفه‌های تهدیدزای درونی و بیرونی را شناسایی و برای حل آن‌ها چاره‌اندیشی نماید. از طرف دیگر توجه قانون به پیشرفت‌های صنایع نظامی دفاعی، دولت را بر آن داشته است تا توان دفاعی خود را متناسب با سطح تهدیدات نظامی ارتقا بخشد و همچنین با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران از جمله هم‌مرزی با کشورهای حوزه خلیج فارس و سایر همسایگان خود توان دفاعی خود را متناسب سازد. به‌خوبی مشخص است راهبردهای اتخاذ شده برای تأمین امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به لحاظ سطح کیفی و کمی در برنامه توسعه کشور مدنظر بوده و نسبت به برنامه‌های قبلی توسعه رشد چشم‌گیری داشته که می‌تواند دلالتی بر بالا رفتن سطح تهدیدات خارجی و داخلی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باشد. توجه به نگاه جامع در راستای تأمین امنیت ملی از سوی قانون‌گذار به نظریات جدید و لزوم پیگیری الگوهای راهبردی جامع در تأمین امنیت ملی دارد. تأمین امنیت ملی در کشورهای در حال توسعه مستلزم توجه بیشتر به تهدیدات داخلی است تا تهدیدات خارجی. رهبران و نخبگان این کشورها سعی در منحرف کردن اذهان عمومی از مسائل و مشکلات داخلی به مسائل و مشکلات خارجی کشور دارند. چراکه احساس تهدیدات خارجی تا حدودی منجر به رضایت از وضعیت داخلی جامعه خودی می‌شود. ولی تهدیدات داخلی باعث به وجود آمدن یک سری تحولات می‌شود و حتی ممکن است زمینه‌ساز تهدیدهای خارجی گردد.

با توجه به این‌که ایران از یک‌سو مرزهای امنیتی خود را فراتر از مرزهایش گسترش و تا عراق و سوریه و لبنان و فلسطین ... امتداد یافته، و از سوی دیگر قدرت نرم جمهوری اسلامی نیز در بستر مفاهیمی مانند «صدور انقلاب»، صدور ارزش‌ها و نفوذ در بین عامه مردم در کشورهای منطقه، ظهور و بروز پیدا کرده، هر دو وجه این مسئله، تأمین امنیت جمهوری اسلامی را در پی داشته و خواهد داشت. آن‌هم در شرایطی که نه تنها بسیاری از کشورهای منطقه، در پی امنی به سر می‌برند، بلکه سایه‌ی تهدید و

نامنی، تا قلب اروپا نیز کشیده شده است. بقا و حفظ و افزایش قدرت، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام اقتصادی و سیاسی و همچنین حفظ استقلال و حاکمیت کشور را می‌توان جوهره امنیت ملی به شمار آورد. با توجه به تغییرات موجود در نظام بین‌الملل و امنیتی شدن فضای نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایران باید با بازتعریف سیاسی، نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در سطح منطقه تعریف کند و ارتقا ببخشد. برای حرکت به سوی اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله، علاوه بر دگرگونی در ساختارها و نهادهایی که مانع پیشرفت کشور می‌شوند یا مسیر حرکت روبه‌جلو را کند می‌کنند، باید شرایط امنیت و اقتدار ملی را با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعادل منطقه‌ای تقویت کرد و گاه بین ناآرامی‌های داخلی و تجاوزات خارجی پیوند نزدیکی وجود داشته است. به‌طور کلی عوامل تهدیدکننده امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به دو دسته عوامل خارجی و داخلی تقسیم کرد. امروزه عوامل داخلی از جمله نابسامانی اقتصادی و معضلاتی چون بیکاری از مهم‌ترین خطرهای برای امنیت ملی به حساب می‌آید. یکی از مسائلی که ممکن است در حال حاضر به نابسامانی‌های اقتصادی خصوصاً بیکاری در کشور دامن بزند از ۲/۵ میلیون نفر مهاجر افغانی است به‌ویژه مهاجرینی که متخصص نیستند و فقط نیروی کار ساده باشند. تأثیر کاهش آب هیرمند در منطقه شرق و همچنین کاهش بارش‌های سالیانه و به تبع آن خشک‌سالی باعث مهاجرت بیش از حد جمعیت آن منطقه به سایر نقاط خواهد شد که امنیت در آن منطقه را به چالش خواهد کشید که ادامه این وضع باعث مخاطره‌آمیز شدن امنیت ملی ایران می‌گردد.

تجزیه و تحلیل فرضیه تحقیق با توجه به ۵ سؤال ارائه‌شده به جامعه نمونه و استخراج نتایج

حاصل از آن

گام اول: تدوین فرضیه

فرضیه: به نظر می‌رسد فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک (هیرمند) بین ایران و افغانستان تأثیر بسزایی بر امنیت ملی ایران خواهد داشت.

H0: به نظر می‌رسد فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک (هیرمند) بین ایران و افغانستان تأثیر بسزایی بر امنیت ملی ایران نخواهد داشت.

H1: به نظر می‌رسد فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک (هیرمند) بین ایران و افغانستان تأثیر بسزایی بر امنیت ملی و توسعه پایدار ایران خواهد داشت.

در جدول ملاحظه می‌گردد که به‌طور میانگین نفرات پاسخ‌دهنده به گویه‌های فرصت‌ها و

چالش‌های هیدروپلیتیک (هیرمند) بین ایران و افغانستان و امنیت ملی ایران و میزان تأثیر آن، تعداد ۱ نفر پاسخ خیلی کم، تعداد ۲ نفر پاسخ کم، تعداد ۲ نفر پاسخ متوسط، تعداد ۸ نفر پاسخ زیاد و تعداد ۲۷ نفر پاسخ خیلی زیاد را انتخاب نموده‌اند. به عبارتی ۵/۸۷ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند فرصت‌ها و چالش‌های هیدروپلیتیک بین ایران افغانستان بر امنیت ملی ایران تأثیر زیادی دارد، ۵ درصد پاسخ‌دهندگان تأثیرگذاری را متوسط و ۵/۷ درصد پاسخ‌دهندگان این تأثیر را کم اثر برآورد نموده‌اند.

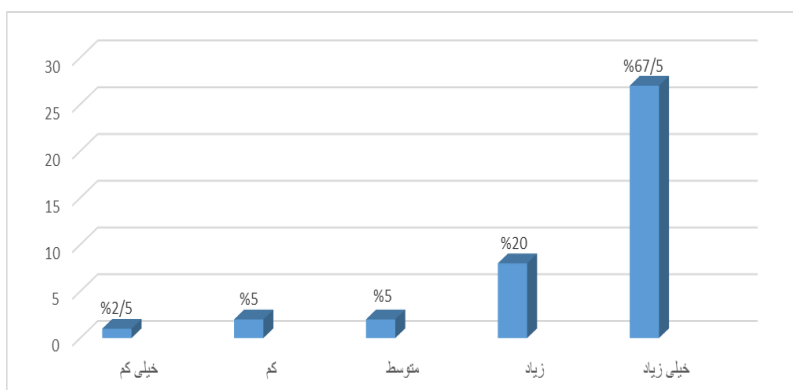
گام دوم: محاسبه آماره آزمون

جدول توزیع فراوانی مربوط به فرضیه

ردیف	سؤالات فرضیه	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	جمع
۱	سؤال یکم	۳۲	۵	۲	۱	۰	۴۰
۲	سؤال دوم	۲۸	۱۰	۱	۱	۰	۴۰
۳	سؤال سوم	۱۶	۱۴	۳	۵	۲	۴۰
۴	سؤال چهارم	۲۲	۹	۴	۳	۲	۴۰
۵	سؤال پنجم	۳۴	۴	۱	۱	۰	۴۰
جمع		۱۳۲	۴۲	۱۱	۱۱	۴	۲۰۰
میانگین فراوانی		۲۷	۸	۲	۲	۱	۴۰
درصد فراوانی		۶۷/۵	۲۰	۵	۵	۲/۵	۱۰۰
Xi (اهمیت وزنی)		۵	۴	۳	۲	۱	۱۵
درصد اهمیت وزنی (fi xi)		۱۳۵		۳۲			۱۷۸

$$\bar{X} = \frac{\sum f_i x_i}{n} = \frac{178}{40} = 4.45$$

نمودار آماره آزمون فرضیه



$\frac{(Fe - Fo)^2}{Fe}$	$(Fe - Fo)^2$	Fo - Fe	Fe	Fo	رتبه	ردیف
45/12	361	19	۸	27	خیلی زیاد	۱
0	0	۰	۸	۸	زیاد	۲
4/5	36	-6	۸	2	متوسط	۳
4/5	36	-6	۸	2	کم	۴
6/12	49	-7	۸	1	خیلی کم	۵
60/24	-	-	۴۰	۴۰	جمع	

جدول محاسبات آزمون کای مربع مرتبط با فرضیه

$$\chi^2 = \sum_{i=1}^k \frac{(F_{o_i} - F_{e_i})^2}{F_{e_i}} = 80/7$$

گام سوم: محاسبه آماره بحرانی (جدولی)

$$\chi^2_{\alpha, df} = \chi^2_{\dots, 0.05, 4} = 9.49$$

$$df = r - 1 = 5 - 1 = 4$$

$$P = 1 - \alpha = \%95$$

$$\alpha = \%5$$

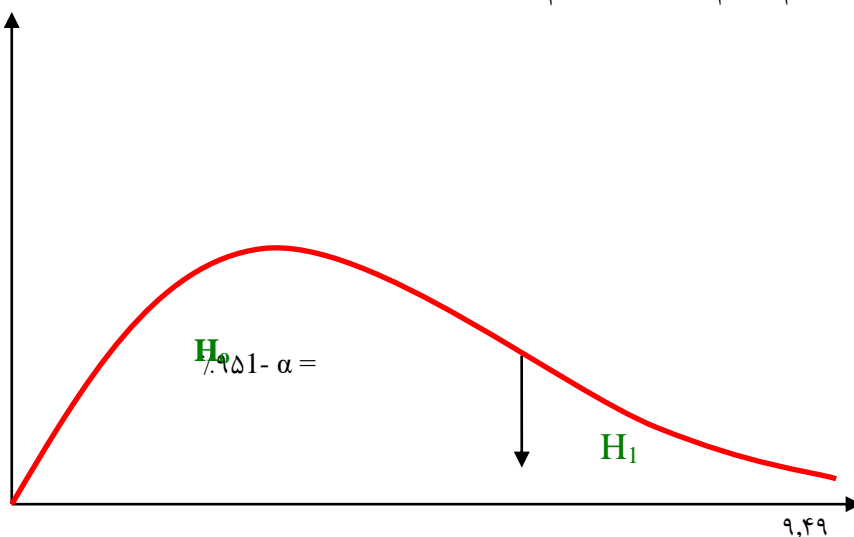
$$df = (c - 1) \times (r - 1) = (5 - 1) \times (2 - 1) = 4 \times 1 = 4$$

$$df = 4$$

$$x^2_{\alpha, df} = 9.48 \quad x^2 = 60/24$$

تصمیم‌گیری

گام چهارم: قضاوت (تصمیم‌گیری)



نمودار آزمون استقلال فرضیه

برابر نمودار چون مقدار آماره آزمون از مقدار آماره بحرانی بزرگ‌تر است؛ بنابراین آماره آزمون در ناحیه H_1 قرار می‌گیرد؛ در نتیجه فرضیه H_1 پذیرفته می‌شود و فرضیه H_0 رد می‌شود. به عبارت دیگر: با سطح اطمینان ۹۵٪ می‌توان ادعان داشت که هیدروپلیتیک هیرمند می‌تواند بر امنیت ملی ایران تأثیرگذار باشد.

محاسبه ضریب شدت توافقی:

$$C = \sqrt{\frac{\chi^2}{\chi^2 + n}} = \sqrt{\frac{60 / 24}{60 / 24 + 40}} = 0 / 60$$

ضریب شدت $C = 0 / 60$



توافقی

شدت ضریب توافقی محاسبه‌شده از طریق فرمول بالا مبین آن است که میزان تأثیرگذاری هیدروپلیتیک ایران و افغانستان بر امنیت ملی ایران 60 درصد بوده است، بنابراین دو متغیر از یکدیگر مستقل نبوده و بر یکدیگر تأثیر دارند.

نتیجه‌گیری

دسترسی به منابع آبی کافی در آینده‌ای نه‌چندان دور یکی از مؤلفه‌های قدرت محسوب می‌شود. جای گرفتن هیدروپلیتیک در حوزه مسائل امنیت ملی، زمانی به واقعیت نزدیک می‌شود که یک کشور برای تأمین منابع آب موردنیاز خود به رود یا رودهایی که از خارج از فضای سرزمینی آن سرچشمه می‌گیرند شدیداً وابسته باشد. یکی از شاخص‌های اصلی آسیب‌پذیری در برابر کمبود آب در یک کشور، میزان ورودی آب از رودخانه‌های مرزی مشترک می‌باشد. این وابستگی در زندگی مردمان شرق کشور ایران به آب رودخانه‌های مرزی مشترک دیده می‌شود. سرچشمه این رودخانه‌ها در آن سوی مرزهای سیاسی، موجب نقش‌آفرینی آب‌های مرزی در روابط سیاسی بین دو کشور ایران و افغانستان شده است. هیرمند به‌عنوان مهم‌ترین منبع تهیه آب شرق کشور محسوب می‌شود؛ چراکه آب زیرزمینی یا به‌بیان‌دیگر آب‌های نیمه سطحی شور، نه‌تنها قابل‌استفاده نیستند، بلکه زیان‌آور نیز هستند. آب دریاچه‌ی هامون اگرچه شیرین است، به‌ندرت برای کشاورزی مورد‌استفاده قرار می‌گیرد. با این وصف این دریاچه بیشتر جنبه‌های زیست‌محیطی داشته و منبع مطمئن و مناسبی در امر کشاورزی شمرده نمی‌شود. بنابراین جریان آب رودخانه هیرمند در شرق کشور که تنها منبع عمده تأمین آب است به‌منزله جریان حیات اجتماعی و اقتصادی آن بوده و هرگونه کاهش در میزان آب ورودی آن به ایران، حیات منطقه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. قرار داشتن سرچشمه‌های رودخانه هیرمند در فضای سرزمینی افغانستان، سبب شده تا دولت افغانستان در دهه‌های گذشته از هیرمند به‌عنوان ابزاری سیاسی، سیاست خارجی و مواضع ایران را تحت نفوذ قرار داده و در مواقعی خاص امتیاز بگیرد. این در شرایطی است که ایران به‌طور عمده از راه هیرمند به منابع آبی خارج از مرزهای خود و به‌طور مشخص به افغانستان وابسته است و این امر نوعی چالش هیدروپلیتیک برای ایران است. البته استقرار نظم و سامان سیاسی در افغانستان و برقراری روابط دوستانه میان دو کشور و نیاز حکومت افغانستان به جلب رضایت ایران برای بقا و حفظ نظم در داخل کشور می‌تواند به شرایط مذاکره و بستن قراردادهای دوجانبه با ایران کمک کند. از طرفی وجود مهاجران زیادی که از افغانستان به ایران وارد می‌گردند نیز اهرمی سیاسی می‌تواند باشد برای امتیاز گرفتن از افغانستان و همچنین اگر سخت‌گیری بیش از حد برای آن‌ها گردد امکان نتیجه عکس در مسئله رود هیرمند خواهد داشت. ایران با توجه به آنکه کشوری است که هم بالقوه و هم بالفعل با مسئله هیدروپلیتیک درگیر می‌باشد لازم است که هم در سطح منطقه و هم در سطح جهانی دیپلماسی فعالی در زمینه تدوین قوانین مربوط به رودخانه‌های

بین‌المللی داشته باشد. ایران می‌تواند با دادن مشوق‌های اقتصادی و کمک به افغانستان در دسترسی مناسب به دریاهای آزاد این کشور را به انعقاد معاهدات مناسب در مورد آب هدایت کند. افغانستان در شرایط حاضر به‌عنوان کشوری جنگ‌زده از نظر اقتصادی در وضعیت بحرانی قرار دارد. بدیهی است که ایران در بهبود این وضعیت می‌تواند، نقش مؤثری داشته باشد. چون افغانستان موقعیت جغرافیایی محاط در خشکی دارد می‌تواند از تسهیلات ایران در دسترسی به دریا استفاده نماید. در کل حل بحران کم‌آبی در شرق، نیاز به دیپلماسی قوی و برقراری رابطه خوب با جامعه جهانی و دولت افغانستان با پشتوانه سازمان ملل است.

از عوامل تهدیدکننده امنیت ملی ناشی از کاهش میزان آب ورودی هیرمند، عدم اشتغال و بیکاری و عدم اتخاذ سیاست‌های مناسب اقتصادی توسط مسئولان کشور خواهد بود. که هدف از برنامه ششم توسعه - همانند برنامه‌های قبلی - تقویت امنیت و اقتدار ملی است؛ بنابراین ماهیت این برنامه، رشد محور بوده و در تدوین برنامه عملیاتی باید اشتغال و کار آفرینی در این منطقه کاملاً مورد توجه قرار گیرد. این یک واقعیت آشکار است که ایران در سال‌های آینده با تهدیدات فزاینده‌ای روبرو خواهد بود. که تهدیدات هیدروپلیتیکی یکی از آن‌ها خواهد بود، بقا و حفظ و افزایش قدرت، حفظ جان مردم، حفظ تمامیت ارضی، حفظ نظام اقتصادی و سیاسی و همچنین حفظ استقلال و حاکمیت کشور را می‌توان جوهره امنیت ملی به شمار آورد. با توجه به تغییرات موجود در نظام بین‌الملل و امنیتی شدن فضای نظام بین‌الملل پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، ایران باید با بازتعریف سیاسی، نقش و جایگاه منطقه‌ای و بین‌المللی خود را در سطح منطقه تعریف کند و ارتقا ببخشد. برای حرکت به سوی اهداف چشم‌انداز ۲۰ ساله، علاوه بر دگرگونی در ساختارها و نهادهایی که مانع پیشرفت کشور می‌شوند یا مسیر حرکت روبه‌جلو را کند می‌کنند، باید شرایط امنیت و اقتدار ملی را با تکیه بر رشد اقتصادی، مشارکت سیاسی، تمرکززدایی و تعادل منطقه‌ای تقویت کرد.

منابع

- احمدی، سیدعباس (۱۳۸۳). بررسی هیدروپلیتیک هیرمند، رشد جغرافیا، ۶۷.
- افشین، یدالله (۱۳۷۳). رودخانه‌های ایران. تهران: وزارت نیرو، شرکت مهندسی مشاور جاماسپ.
- امامی، منوچهر (۱۳۸۱). رودخانه مرزی هیرمند و اثرات امنیتی آن، مطالعات دفاعی استراتژیک، ۴۴.
- بزی، خدا رحم و خسروی، سمیه و جوادی، معصومه و حسین‌نژاد، مجتبی (۱۳۸۹). بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام (ICIWG 2010)
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۸۳). خراسان ژئوپلیتیک و توسعه. تهران، انتشارات امیرکبیر.
- اطاعت، جواد؛ ورزش، اسماعیل (۱۳۹۱). هیدروپلیتیک هیرمند دلایل آثار و پیامدها، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۲۱۲-۸۰.
- حسینی، ربابه (۱۳۷۱). واکنش‌های مردمی به آب هیرمند، گنجینه اسناد، سال دوم، تهران.
- رضایی، محمدتقی (۱۳۸۱). چالش‌ها و راهکارهای حقوقی نظام بهره‌برداری از آب‌های مشترک با نگاهی به رژیم حقوقی آب‌های مرزی ایران، مجموعه همایش‌های منطقه‌ای، شیراز.
- سخنرانی خانم آبادیکشیت (۱۳۷۵). در سمینار افغانستان و امنیت منطقه‌ای، آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۵)۵.
- سیمون جالبی، پاول روتلج (۱۳۸۰). با اندیشه‌های ژئوپلیتیک در قرن بیستم، ترجمه محمدرضا حافظ نیا و هاشم نصیری، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شارل روس (۱۳۴۷). حقوق بین‌المللی عمومی، ترجمه محمدعلی حکمت. جلد اول، تهران: دانشگاه تهران.
- شرکت مشاور جام آب (۱۳۷۸). طرح جامع آب کشور، تهران وزارت نیرو.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۵). طرح جامع مطالعات مرزهای خراسان، مشهد، استانداری خراسان.
- عسگری، محمود (۱۳۸۱). نسبت نوین منابع آبی به اهمیت ملی، مطالعات راهبردی، ۱۶.
- علی جانی، بهلول (۱۳۷۶). آب‌وهوای ایران، تهران، دانشگاه پیام نور.
- علیزاده، جعفر (۱۳۸۳). هیدروپلیتیک هیرمند و تأثیر آن بر روابط سیاسی ایران و افغانستان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- فخاری، غلامحسین (۱۳۷۱). اختلاف دولتین ایران و افغانستان در مورد هیرمند، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

کرمی، افشین و حسن‌زاده، جواد و پیشگاهی فرد، زهرا (۱۳۹۵). تأثیرات هیدروپلیتیک بر مناسبات عراق و ترکیه با تأکید بر دجله و فرات، مطالعات سیاسی جهان اسلام، ۵(۱۷)، ۲۹-۵۱.

لکزایی، شریف (۱۳۸۵). امنیت در اسلام، علوم سیاسی، ۳۴، ۵۰-۷۰.
 مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). امیران مرزدار و مرزهای خاوری ایران، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی نوری، تهران: نشر شیرازه.

مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت.
 مختاری، حسین؛ عبدی، عطاءالله (۱۳۹۴). نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران، ایران بازگو (بازگوکننده گلچینی از اخبار و پژوهش‌های سیاسی و ژئوپلیتیک روز ایران و جهان).

www.civilica.com

www.Iranhydrology.com

www.nghdir.ir/gropportalinfo

www.Roshangri.net